

منفکلی نیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۶ آبان ۱۳۹۰
۱۲۸ اکتبر ۲۰۱۱

حزب حکمتیست

"انقلاب" ناتوئی لیبی و

روئیای اپوزیسیون ایران

قذافی دستگیر و توسط نیروهای شورای انتقالی به قتل رسید. حاکمین جدید لیبی با شادی و سرور پیروزی نیروهای "انقلابی" خود را جشن گرفتند، رسانه های غربی صحنه های شادی مردم و نیروهای پیروز را در خیابانهای لیبی به نمایش گذاشتند و رهبران دول غربی و شرکای دولت جدید، پیروزی خود را به هم شادباش گفتند و رذیلانه مدالهای جدیدی به نام "پیروزی" مردم لیبی و افتخارات خود علیه دیکتاتورها و "دفاع از دموکراسی" را به گردن خود آویزان کردند.

احزاب و جریانات مختلف ایرانی از راست تا چپ، از حاکم تا اپوزیسیون، هر کس با پرچم و اهداف خود، پیروزی ناتو و شرکای مرتجع آنرا جشن گرفتند. بخشی از اپوزیسیون بورژوائی ایران که در این چند ماه همراه ناتو و میدیای دست راستی، در باد "انقلاب مردمی" در لیبی و نقش مهم و مثبت ناتو دمیده بود، شعار "بعد از قذافی نوبت خامنه ای است" را بر دروازه های خود آویزان کردند. اعلام کردند پیروزی "انقلاب لیبی" با قتل قذافی قطعیت پیدا کرد. در میان هلهله و شادی این صف، روز یکشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱، مصطفی عبدالجلیل وزیر سابق دادگستری دولت قذافی و رئیس شورای انتقالی لیبی، در مراسم اعلام "تاسیس دولت جدید لیبی" صفحه ۲

ثریا شهابی



لیبی پس از قزافی

"طراوتی" در منجلات!

دنیای شیک دموکراسی غربی و منیای دست به سینه اش، در ریاکاری و تحقیر هرنوع تلاش محرومین برای اندک تغییری در زندگی شان، اعجاب انگیز است. بخصوص اگر این محرومین ژنده پوش، فقیر، بی بهره از سواد، "جهان

مظفر محمدی



قانون کار جمهوری

اسلامی اصلاح پذیر نیست

قانون کار و رابطه کار و سرمایه در هر کشوری با سطح مبارزات طبقه کارگر و میزان اتحاد و تشکل کارگران ارتباط مستقیم دارد.

اصلاحیه قانون کار اکنون پس از پنج سال در اختیار رسانه ها قرار گرفته است و دولت مکلف شده است که در چارچوب برنامه پنجم توسعه کشور، لایحه اصلاح قانون کار را پس از تصویب در مجلس اسلامی اجرا کند.

اصلاحیه قانون کار تحت فشار و به خواست و نیاز سرمایه داران بویژه بخش خصوصی تهیه و تدوین شده است. بازار آزاد سرمایه داری ایران از ابتدا تا کنون حتی قانون کار فعلی جمهوری اسلامی را مانع رشد و شکوفایی و سودآوری بیشتر سرمایه ها دانسته است. قانون کاری که تماما سند بردگی طبقه کارگر بوده است.

متن بیانیه ۲۰۰ نفر از کمونیستها و

آزادیخواهان کردستان

دخالت نظامی ناتو و غرب علیه

منافع مردم است

بعد از دخالت نظامی ناتو در لیبی، قدرتهای بزرگ غربی وسوسه شده اند، در بعضی کشورها و کلتونهای بحرانی دیگر این تجربه را تکرار کنند. بر خلاف تبلیغات رسانه های پروغربی و ارتجاعی، جنگ و دخالت نظامی ناتو در لیبی، تحریک انقلابی و اراده به میدان آمده مردم را برای آزادی و رفاه و سعادت را به بیراهه برد. ارتجاع دیگری را به

کارگران جهان متحد شوید!

چنان متعفن است که چراغانی سالن و تزئینات سفره ای که در مقابل مردم پهن کرده اند، نتوانسته است تأثیرات سموم متصاعد شده را کاهش دهد. مردم در سراسر جهان، بهت زده به ملخص این پیروزی مینگرند!

صدام و قزافی و بن علی و مبارک، دیکتاتور و جنایتکارانی اند که به حق مورد نفرت مردمی هستند که دهها سال تحت حاکمیت آنها از ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی محروم بودند. ظاهرا کسی، بخصوص با شکل و صفحه ۳

است. و بار دیگر توپ در زمین طبقه کارگر قرار گرفته و باید دید که این طبقه و تشکل ها و فعالین و رهبران کارگری این اصلاحیه را چگونه ارزیابی و به آن برخورد می کنند.

پیشنویس اصلاح قانون کار را می توان از دو نقطه نظر مورد بررسی قرار داد.

یکی از زاویه کارشناسانه، تخصصی و حقوقی در چهارچوب همین قانون کار موجود که روشی معتبر است و باید انجام گردد. ما هم به نوبه خود به بررسی و نقد این پیشنهاد می پردازیم. در اینجا تنها به نگاهی اجمالی اکتفا می کنیم. از جمله:

- پیشنهاد اصلاح قانون کار همچون اصل قانون کار فعلی، در مورد مهم ترین مساله و معضل طبقه کارگر یعنی حق تشکلهای مستقل کارگری، حق اعتصاب، ممنوعیت قراردادهای موقت و ممنوعیت به تعویق افتادن دستمزدها در طول این سه دهه ساکت است.

- اساس اصلاحیه قانون کار بر کار قراردادی موقت و سفید امضا است و آن را رسمیت کامل داده است.

صفحه ۴



قدرت رساند و شواهد نشان میدهد، جامعه لیبی به مسیر بی ثباتی و جنگ داخلی و ناامنی سوق پیدا کرده است. همانطور که قبلا نمونه های آن را در عراق و افغانستان شاهد بودیم. اینست ارمغان طرحهای جنگی قدرتهای امپریالیستی که تحت نام حمایت از "حقوق بشر و ضمیمت با دیکتاتوری" آن را توجیه میکنند. به دنبال این واقعه بار دیگر بخشی از احزاب بورژوائی و ارتجاعی در ایران، از جمله احزاب ناسیونالیست کرد از هم اکنون فعالانه در صدد استقبال از این سناریوی ضد مردمی هستند. تا کنون حزب دمکرات کردستان (خالد عزیزی) صریحتر از بقیه و به عنوان نماینده خود گمارده "کردهای چهار پارچه" حرف دل همه ناسیونالیست های کرد را بر زبان

آورده و از شورای امنیت سازمان ملل میخواید مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به "یاری" مردم کرد بشتابند. حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن مصطفی هجری، مجدداً به دیالوگ و دیدار ماموران دسته چندم سنای آمریکا و بعضی کشورهای اروپا روی آورده است. پژاک هم اعلام آمادگی کرده نه تنها در کردستان ایران بلکه در هر چهار پارچه سربازجانباز "آزاد سازی کردستان" طبعاً زیر حمایت صفحه ۴

اسد گلچینی

آیت نیا فر باید آزاد شود!

صفحه ۲

انجمن ملرکس - حکمت

انقلاب ۵۷ ایران

سمینار کورش مدرسی

صفحه ۲

نشست دفتر سیاسی حزب

کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"انقلاب" ناتوئی لیبی و ..

نظام جدید لیبی را اسلامی اعلام کرد. او در سخنان خود اشاره کرد که همه قوانین لیبی بر مبنای شریعت اسلام تدوین شده و قوانین مغیر اسلام باطل خواهند شد. اولین اقدام رئیس شورای انتقالی لغو ممنوعیت چند همسری در لیبی بود. انقلاب ناتوئی در همان اولین روز، سیمای مرد سالار و ضد زن ارتجاعی خود را به جامعه اعلام کرد. صف ابن الوهتان طرفدار دخالت نظامی ناتو در لیبی، طرفداران سر هم کردن دولت مرجع انتقالی توسط دول غربی، همه نیروهائی که اقدام ناتو را ستودند، همه آنهائی که "دمکراسی" و "حکومت و انقلاب مردمی" و "رفاه و آزادی" در لیبی را، همراه سارکوزی و کامرون و ... وعده میدادند، همه آنهائی که بعد از لیبی با آرزوی دخالت نظامی ناتو در ایران، مشتاقانه چشم انتظار بودند، و همه آنهائی که به جای دخالت نظامی توصیه تحریم بیشتر و کمک مالی و نظامی به این صف مفلوک اپوزیسیون بورژوائی را میکردند، ناگهان با اعلام حکومت اسلامی، گویا توطئه مخفیانه ای را کشف کرده باشند، به تبلیغات سطحی و اعتراض به تصمیم شورای انتقالی پرداختند. و مگر جز این منجالب از "انقلاب" مشترک ناتو و این صف انتظاری میرفت؟

شادی و امیدواری پر از توهم مردم لیبی به پیروزی را به سراب تبدیل میکند. بر خلاف وعده های دورغین دول غربی و میببای دست راستی آنها، و بر خلاف تبلیغات سطحی طیفی از نیروهای چپ و راست در اپوزیسیون ایران، از روز اول معلوم بود، نتیجه "انقلاب" مهندسی شده دول غربی، هر چه باشد، ضد مردمی و ضد کارگری خواهد بود. معلوم بود که سهم طبقه کارگر لیبی و زنان و مردم محروم، بر خلاف آرزوهای انسانی آنها، جز استبداد و بی حقوقی و محرومیت نخواهد بود. معلوم بود هر حکومتی و با هر ترکیبی، چه اسلامی و چه به نام دیگری سر کار می آمد، حتی اگر مورد پسند اپوزیسیون بورژوائی ایران میبود، برای طبقه کارگر و مردم لیبی جز استبداد و بی حقوقی و جز حاکمیت جناحی از بورژوازی لیبی، نتیجه ای نداشت. این حقیقت ساده را ما همه کمونیستهای راستین طبقه کارگر، بارها اعلام کردیم و امروز بار دیگر معلوم شد که حق با ما بود.

سیاسی را از روی ادعاهای آنها و آنچه خود در مورد خود میگویند نمیتوان قضاوت کرد. تجربه تحولات لیبی و جایگاهی که احزاب سیاسی در آن ایستادند، صف و جنبشی که در آن قرار گرفتند، گویای اهداف واقعی و جایگاه طبقاتی آنها و دوری و نزدیکی آنها به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است. این اتفاق و آرزوی بخش وسیعی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون که در عروج جنبش سبز به آن پیوستند، امروز به شکل دیگری به میدان آمده است. بخشی موافق فشار سیاسی و تحریم اقتصادی و بخشی با خواست دخالت نظامی در ایران، جملگی در کنار دول غربی، به امید آلترناتیوهای دست راستی، بر چشم طبقه کارگر و زنان و نسل جوان آزادیخواه خاک میباشند. شناختن این صف بورژوائی و درک اهداف و استراتژی ضد کارگری آنها و تبدیل آن به خود آگاهی طبقه کارگر و صف مدافعین آزادی و برابری، بخشی مهم از ایجاد آمادگی در صفوف طبقه کارگر و مدافعان انقلاب کارگری برای هر تحول انقلابی در ایران است.

آیت نیا فر باید آزاد شود!

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سایت اتحاد (سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران) آیت نیافر روز ۲۵ مهر ماه توسط نیروهای امنیتی دستگیر میشود. دستگیری آیت نیافر در پی برنامه ای سیستماتیک است که برای شکار و زندانی کردن کارگران مبارز و حق طلب توسط نیروهای سرکوب دستگاه پلیسی رژیم صورت میگردد. جلوگیری از بهم پیوستن اعتراضات گسترده کارگران و مردم آزادیخواه نگرانی و وحشت دستگاه حاکمه است که با دستگیری کسانی مانند آیت نیافر میخواهند مانع آن بشوند. پیشتر ابراهیم مددی، رضا شهلی، شاهرخ زمانی و... را دستگیر و کماکان در اسارت نگاه داشته اند.

"جرم و جنایتی" که این کارگران مرتکب شده اند و بخاطر آن باید در زندان باشند حق طلبی و فعالیت برای اتحاد هم طبقه ای هایشان است، و این در حالی است که بزرگترین جرم و جنایت ها، بزرگترین دزدی و پرکردن جیب ها از سرمایه جامعه و استثمار کارگران و مردم زحمتکش توسط حاکمان و دم و دستگاه اداری و نظامی و امنیتی صورت میگردد. آیت نیافر و بقیه کارگران دستگیر شده به این شرایط اعتراض دارند و جرمی غیر این "جنایت" ندارند.

آزادی آیت نیافر و دیگر رفقای زندانی همچون مددی، شهلی، زمانی و دیگر زندانیان سیاسی خواست هزاران کارگری است که آیت نیافر را در طول بیش از بیست سال بعنوان یار و یاور خوششان میشناسند. این خواست هزاران انسان آزادیخواهی است که آیت را در صفوف اعتراض خود بر علیه نا برابری و مبارزه برای آزادی بنده و ملاقات کرده اند. دستگاه سرکوب و استبداد در مقابل این اعتراض گسترده برای آز

سازماندهی اعتراض به زندانی شدن آیت نیافر و دیگر کارگران و فعالین سیاسی یک نیاز مبرم است. ما همصدا با همه آزادیخواهان و کارگران خواهان آزادی آیت نیافر و دیگر کارگران از زندانی هستیم و برای این تلاش میکنیم. ادی آیت نیافر قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت

۱۵ آبان ۱۳۹۰ - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱

انقلاب ۵۷ ایران**یک بررسی تحلیلی - سمینار سوم**

شنبه ۲۹ اکتبر ۲۰۱۱

ساعت ۱ بعد از ظهر
سمینار کورش مدرسیلطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید
ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جالمی مدیر انجمن ملرکس - حکمت تماس بگیرید

marx.hekmat@gmail.com**زنده باد سوسیالیسم**

لیبی پس از قزافی...

وکلا سابق و ارتش و صف حامیان و کلاسی سابق و ارتش و صف حامیان سارکوزی و کامرون و بلر است. به روایت آنها در تونس و مصر و عراق سارکوزی و کامرون و بلر است. به روایت آنها در تونس و مصر و عراق سارکوزی و کامرون و بلر است. به روایت آنها در تونس و مصر و عراق سارکوزی و کامرون و بلر است.

شمالی "شرقی"، نمی تواند مخالف سرکوب و دیکتاتوری باشد و در عین حال از اعدام صدام و نمایش آن و از اجرای ویژه نمایش آگرنیسیمان جنازه لت و پار شده قزافی، ابراز "انزجار" کند! چرا که آنها جنایتکاران جنگی، و محکومین "جنایت علیه بشریت" و اسرای جنگی دول غربی اند که توسط مردم "معینی"، به مجازات رسیده اند! مردمی که به روایت میبای و غربی همه مذهبی و قومی و "عقب مانده" و متعلق به اقوام و عشایر بدوی اند! هنگامی که تصاویر قضاات و "کمپ پیروز شدگان" در لیبی، از طریق صفحات تلویزیون بی بی سی و رسانه های درباری غرب روی اکران میروند، کسی تفاوت چندانی بین شکل و شمایل "پیروز شدگان" با "مجازات شدگان" را تشخیص نمی دهد. نه تنها تفاوتی مشاهده نمی شود، که مهمتر هراس از آینده ای که قرار است بدست نئو و متحدین مرتجع بومی آن شکل بگیرد، بلافاصله فریادهای شادی مردمی که ظاهرا از شر دیکتاتور خلاص شده اند را تماما خفه میکند.

به روایت رسانه های غربی، آرم شرافتمند، متمن، طبقه کارگر، معلم و دانشجو و محقق و زن مترقی و بشر آزاییخواه، در لیبی و عراق و ایران، و در میان "جهان سومی" ها، وجود خارجی ندارد. به بیان میبای رسمی غرب، در جغرافیاهایی چون عراق و لیبی و ایران در هیچ برهه ای از تاریخ مبارزات مردم، صف مردم متمندی که به اختناق و فقر و جنایات حکومت هایشان سالها است اعتراض دارند، صف محرومین، کارکنان، و طبقه کارگر، و مدافعین حق زن، وجود خارجی نداشته و ندارد. به بیان این رسانه ها در این کشورها، "گله های بدوی" زندگی میکنند که نیازمند چوپانهای "منصف تری" اند. "گله" هایی که در مقاطعی از تاریخ، فرعه بنامشان صادر میشود که توسط امثال بوش و بلر و سارکوزی و کامرون، که پرونده جنایاتشان علیه بشریت از قزافی و مبارک اگر بیشتر نباشد کمتر نیست، رها شوند و اندک اندک در حمایت جنگدهای نئو و ارتش آمریکا، درس "دمکراسی"، بیاموزند.

به روایت این رسانه ها در لیبی آن دو و نیم میلیون کارگر خارجی در میان جمعیت شش و نیم میلیونی لیبی، بخش عظیم محرومینی که در شروع این تحولات مورد تعرض قرار گرفت و پا به فرار گذاشت، یعنی میلیونها قربانی بی حقوقی و سرکوب و استثمار در لیبی، نه هرگز اعتراضی داشتند و نه حقی! و نه اساسا در تاریخ تحولات اقتصادی و سیاسی کشور لیبی کمترین مکانی داشتند! هرچه بود و هست صف طرفداران نئو و بمب افکن هایش، اپوزیسیون درون حکومتی وزرا و

سال است برای خلاصی از اختناق اسلامی با مطالبات ماکزیالیستی و سکولاریستی، علیه اعدام و علیه آپارتاید جنیسی، علیه بساط شلاق و سنگسار و حاکمیت نکبت بار اسلام، برای آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، در کوچه و خیابان و محل کار مبارزه میکنند، و سی سال است به این خاطر سرکوب میشوند، وجود خارجی ندارد! در این تصویر فریبکارانه جعلی، در ایران جنبشی علیه اسلام و برای به زیر کشیدن کامل جمهوری اسلامی با ولایت فقیه و مجلس و دولت و قانون و ارتش و سپاه و دستجات بسیج، وجود خارجی ندارد! هرچه هست، صف جنایتکاران سابق از قدرت رانده شده ای است که امروز بنام نویسنده و محقق و مصلح اجتماعی، در حمایت اختناق اسلامی حاکم، ظاهرا برای آینده ایران و "نجات آن" برنامه دارند. هرچه هست صف معترضین دلسوزان نظام است، که اخیرا "شجاعانه" برای مردم معترض مجوز انتقاد و اعتراض به ولی فقیه را صادر کرده اند! به روایت رسانه های امروز "آزادی" در لیبی را جشن میگیرند، در ایران هم تنها شانس نجات مردم ایران عروج دستجات مرتجع مذهبی و قومی در حکومت و در اپوزیسیون است که صف مشتی فرصت طلب، چپ و راست، دگراندیش و نویسنده و هنرمند مجاز و قانونی را هم در رکاب و گماشتگی خود دارند! صفی که بر خودفریبی مردم ایران، و بر استیصال جنبش های مترقی موجود در صحنه، سرمایه گذاری کرده است. اگر صدام و قزافی و اسد و مبارک، با تفنگ و چماق حکومت کردند و میکنند، و رسماً مدال حکومت های مستبد و دیکتاتوری را بر سینه دارند، همدستان و متحدین قبلی این صف، که در بهره کشی از گرده میلیونها کارگر بومی و مهاجر همیشه کارت اعتباری دول غربی را در جیب داشتند، عنوان دمکرات، لیبرال و خادمین دمکراسی را بر سینه دارند! قزافی که بقول بلر این اواخر "شریک با ثبات و مورد اطمینان برای جهان غرب" و حامی تخریب و بمباران عراق بود، جنایتکار است. و در همان حال بوش و بلر و صف روشهای دول غربی که به فرمان تحریم اقتصادی و بمباران آنها جامعه چند میلیونی عراق تخریب و میلیونها نفر بر اثر آن قتل عام شدند، مدال "حافظین صلح" و مبشرین "دمکراسی" و "آزادی" بر سینه میزنند! مهمترین کار رسانه های دستگامی و درباری نوکر دول غربی، پنهان کردن دیکتاتوری "پنهانی" است که در غرب بنام دمکراسی از آفریقا تا آسیا و آمریکا، علیه بشریت جنایت میکند.

دکان دمکراسی غربی، دیکتاتوری سیستماتیکی بیش نیست که ماهرانه مردم در غرب را از دخالت مستقیم در

سیاست محروم میکند، خبر صدور و اجرای احکام اعدام و جنایات ارتش و پلیس آمریکا و دول اروپایی، جنایات زندان گوانتانامو، قتل عام مردم بیگناه غزه و به رگبار بستن هوایی مردم بیگناه عراق، را از انظار عموم پنهان میکند و کسانی که این نیوار سانسور میدای نوکر و دست بسینه را میشکند، امثال ویکی لیکس را دادگاهی و راه حمایت آزادانه مالی مردم بر آن را می بندند! نام این دیکتاتوری مدرن، "دمکراسی" و شیوه ریاکارانه و شیدانه سیستماتیک مغزشویی آن را "تمدن" میگذارند. "تمدنی" که با نوع مهوع شرقی و قومی و اسلامی آن در ایران و عراق و لیبی یک روز پیمان اتحاد می بندند، و روز دیگر آن را برهم میزند! نام اتحادشان را "تحمل و تعامل سایر ملل" و نام تخاصم شان را تقابل "دمکراسی و نیکتاتوری" میگذارند. به خاطر هر دو این اتحاد و تخاصم ضدمردمی، بر سینه خود دوبار مدال افتخار نصب میکنند. و میدای نوکرشان مردم را به هلله به گرد این شارلاتانیسم سیاسی فرامیخوانند!

کمونیست ها حق داشتند که از ابتدا به شکل گیری این سناریو برای "آزادی" لیبی اعتراض کنند. کمونیست ها میدانستند که امید بستن به اینکه دخالت و دست بالا پیدا کردن نیروهای ارتجاعی برای تغییر و برای دست بردن قدرت علیرغم خوش بینی انسانی مردم به این صف مرتجع، توهم محض است! کمونیست ها، طبقه کارگر آگاه، میدانند که در منجالات بنیال طراوت گشتن، خودفریبی است. این سناریو تنها با فریب مردم ناآگاهی که توسط احزاب و نیروهای سیاسی فرصت طلب به تسلیم کشانده شدند، شکل گرفت. جریانی که به چشم مردم خاک پاشیند و مردم را به شرکت در چنین قرعه کشی دعوت کردند، و آنها را به قماری که باخت و سلاخی صف پیشرو انقلابی در آن مسلم بود، فراخوانند.

هراس از آینده سپاه لیبی، روندی است که تنها مبارزات مترقی، انقلابی و پیشرو مردم و طبقه کارگر در خاورمیانه و در جهان، از مصر و تونس و ایران تا یونان و ایتالیا، میتواند متوقف شود. این روند تنها با دخالت صف خودآگاه، متشکل و متحد طبقه کارگر، صف کمونیسم و مردم سمبترین "حافظین صلح" و مبشرین بوزروازی جهانی و بورژوازی محلی بازگردد. کمونیست ها در ایران، تکرار چنین سناریوهایی برای ایران را با ایجاد وسیع ترین اتحاد میان طبقه کارگر و مردم آزاییخواه، زنان و جوانان، نه تنها خنثی که شرایط را برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به نیروی خود فراهم میکنند.

قانون کار جمهوری اسلامی....

هم به مناسبت‌های مختلف در میان کارگران بوفور وجود داشته و دارد.

در اصلحیه، شرکت‌های بیمه‌کاری باقی مانده اند. و این علیرغم اعتصابات بزرگ کارگری اخیر علیه این شیوه رابطه کار و سرمایه است.

«شرایط اقتصادی کشور» به عنوان یک شرط تعیین حداقل دستمزد کار و پیشنویس اصلاح و مباحث حول کارگران در اصلحیه قانون کار، قید و حوش آن تا کنون، قبل از اینکه شده است و به این ترتیب دست کارفرما را باز گذاشته تا به بهانه اینکه شرایط باشد، چالش‌هایی بین جناح های خود خوب نیست و تورم ایجاد می شود از بورژوازی بوده است. تئوین کننده و افزایش دستمزد کارگران سر باز زند. نقد کننده این قوانین جناح های همچنین بخشی از مزد کارگران هم به بورژوازی و اقتصاددانان آنها هستند. طرح طبقه بندی مشاغل، مهارت، عملکرد و کارایی کارگر ارتباط داده شده است.

به این ترتیب، پیشنویس اصلحیه قانون کار، نه تنها در تایید و تاکید قانون فعلی، بلکه در تداوم تعرض سرمایه داران و دولت به طبقه کارگر است. اما وجه دیگر نگاه کارگر به قانون کار جمهوری اسلامی و پیشنویس اصلاح قانون کار، در واقع برخورد طبقه کارگری به این قانون کار ضدکارگری و سند استثمار وحشیانه و بردگی محض طبقه کارگر است.

این قانون از بیخ و بن ضد کارگری است. در تئوین و تصویب آن نمایندگان واقعی طبقه کارگر هیچ نقش و حضوری نداشته اند. تماما از طرف سرمایه داران و نماینده سیاسی شان دولت جمهوری اسلامی تهیه شده و به طبقه کارگر تحمیل گشته است. این قانون هیچوقت مورد پذیرش طبقه کارگر و نهادها و تشکلهای فعالین و رهبران کارگری نبوده است. قانون کار جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست همچنین تجارب سه دهه اخیر نشان داده است که قانون کار جمهوری اسلامی چیزی را تعیین نمی کند و رابطه کار و سرمایه در ایران در توازن قوای بین طبقه کارگر و سرمایه داران و دولت تعیین میگردد. برای مثال در قانون کار اعتصاب ممنوع است اما ایران جزو کشورهای است که بیشترین اعتصابات کارگری را داشته و دارد. یا تشکل مستقل کارگری برسمیت شناخته نشده و شورای اسلامی و خانه کارگر سخنگو و نماینده طبقه کارگر اعلام گشته است، اما سال ها است که کارگران کارخانه ها شوراهای اسلامی را عملا در محل های کار طرد کرده اند. و تشکلهای مستقل کارگری عملا در دستور کار رهبران و فعالین کارگری نبوده است. نمونه های متاخر آن سندیکاهای کارگری متعددی سازمان یافته و جنبش سندیکایی راه افتاده است. سازماندهی مجامع عمومی کارگری

متن بیانیه ۲۰۰ نفر از

با هم صف متحدی را شکل دهیم.

۱***۱

* این بیانیه تا کنون به امضای ۲۰۰ نفر از کمونیستها و آزادیخواهان کردستان رسیده است و بر روی سایتهای حزب حکمتیست قابل دسترسی است و امضای آن ادامه دارد کمونیست به دلیل محدودیت صفحات نشریه از آوردن امضاها خودداری کرد

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست

روزهای اول و دوم آبان ۱۳۹۰ (۲۲ و ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد. ابتدا گزارش کارکرد هیات دبیران و گزارش کارکرد کمیته های تبلیغات، کردستان، خارج و سازمانده در فاصله دو نشست توسط دبیر کمیته مرکزی و گزارش دفتر سیاسی توسط رئیس دفتر سیاسی ارائه شد. گزارشهای کتبی کمیته های اصلی حزب قبلا در اختیار اعضای دفتر سیاسی قرار گرفته بود. پس از سوال و اظهار نظر درباره گزارشها، دستور نشست تصویب شد و از میان مباحث در دستور از جمله موارد زیر به بررسی و تبادل نظر گذاشته شدند:

- ۱- تنش جدید در کشمکشهای آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی
- ۲- موقعیت جدید ناسیونالیسم کرد و مساله کرد در تحولات منطقه
- ۳- موقعیت حزب حکمتیست و تحولات سیاسی جامعه
- ۴- پلنوم بیست و دوم کمیته مرکزی حزب

لذا تلاش ارتجاعی جریانات ناسیونالیست که بخواهند مردم کردستان را به نیروی ذخیره طرحهای جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید افشا و خنثی کرد. به همین خاطر، ضروریست صف کمونیستها و آزادیخواهان کردستان، بمنظور بر ملا کردن و فاش نمودن این سیاست، آگاهانه تر و متحدانه تر از همیشه به میدان بیاید. باید کاری کرد، جامعه کردستان بار دیگر به کانون گرم تحرک انقلابی علیه جمهوری اسلامی و علیه پیاده کردن طرحهای ارتجاعی آمریکا و کشورهای غربی و احزاب ناسیونالیست تبدیل شود. ما، در راستای این هدف این بیانیه را امضا میکنیم و همه آزادیخواهان در سراسر جهان را فرامیخوانیم علیه این سیاست ارتجاعی

نشریه حزب کمونیست
کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم